

پژوهشی پیرامون کولیهای ایران (استان مرکزی)*

مقدمه

با عنایت به ضرورت پژوهش درباره کولیهای ایران، این جانب ضمن اقامت در میان کولیهای استان مرکزی و در تماس نزدیک با آنان شرح مختصری درباره آنها تهیه کرده‌ام. مسلماً شناخت حیات کولیا یکی از مشکلات ویژه اجتماعی، فرهنگی جامعه، ما است که بسیار حائز اهمیت است، و امید است این مختصر راهگشایی در جهت عنایت به این مشکل بوده باشد.

تغییر و تحولات تاریخی کولیا

از بررسیهای تاریخی و مردم‌شناسی پیرامون کولیا چنین برمی‌آید که آنان ابتدا در زمانهای دور، از حوزه‌های سرزمینهای هندوستان به سمت فلات ایران و از طریق آسیای صغیر به آناتولی و یونان، و از آن جا به سایر سرزمینهای اروپا راه یافته و در بیشتر نقاط گیتی پراکنده شده‌اند، که بسامختصر تفاوت‌هایی دارای رفتار فرهنگی، اجتماعی و شیوه تولید

* کولی - پابتی - لولی - غربال‌بند - قرچی - سوزمانی - زنگاری: واژه‌هایست

که در نقاط مختلف ایران در مورد کولیا بکار می‌برند. فرهنگ معین.

جمال‌زاده در فرهنگ عامیانه کولیا را چنین معرفی می‌نماید. اینان کارشان فروختن

سبد - فالگیری و احیانا دزدی است.

اقتصادی مشابه می‌باشند .

کولیهای ایران حیاتشان از دیرباز با عشایر پیوند خورده است، سیاست اسکان اجباری عشایر و ایلات ایران در زمان رضاخان در سالهای ۱۳۱۰ و سیاست فرهنگ زدایی و مصرفی کردن ایلات و بالاخره سیاست اصلاحات ارضی توسط محمدرضا در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ باعث شد که وابستگی به نظام شهری روز بروز در میان ایلات بیشتر و بیشتر شود، تا آنجا که سیاستهای بعدی بخش اعظم ایلات را تخت قاپو کرد . در این فرایند تاریخی حیات کولیهای ایران نیز دستخوش تحولی عمیق شد ، بنحوی که اینان از تولید کننده به مصرف کننده تبدیل شدند .

ساخت اقتصادی کولیهای ایران

بطور کلی گروههای کولی ایران از لحاظ شیوه و شکل اقتصادی می‌توان به دو دسته متمایز تقسیم کرد :

الف - گروههای کولی که همچنان شیوه تولید سنتی خویش را حفظ کرده‌اند و برای عرضه کالا - غربال - الک - سبد - سیخ - سه پایه و معاملات مختلف با روستاییان در فصول مختلف به اطراف شهرها و روستاهای گرمسیر و یا سردسیر مهاجرت می‌کنند، که در محدوده استان مرکزی دونمونه زیر مورد مشاهده قرار گرفته است .

۱- طایفه اسدی

این طایفه کولی که با اسکان عشایر بختیاری در سالهای اخیر از علی‌گودرز به خمین آمده و در اطراف آن شهر ساکن شده‌اند، از اوائل بهار از طریق روستاهای قره‌کهریز، گلین‌آباد، عقیل‌آباد، کوار، اراک، سنجان، رباط، قدمگاه، بازنه، هفت ایلات موجان کوچ کرده و اواخر پاییز دوباره به خمین بازگشته و گاه به سمت جنوب ایران یعنی شهرهای شوشتر - دزفول، اهواز عزیمت می‌کنند .

تعداد خانوار طایفه اسدی

نام فامیل	تعداد	دختر	پسر	سواد (منظور خواندن و نوشتن)	ملاحظات
هوشنگ اسدی	۸	۳	۲	—	مادربزرگ
کریم اسدی	۱۱	۴	۳	۱	پدربزرگ
صفر اسدی	۳	۲	—	—	پدر در جنگ تحمیلی شهید شده
عشق علی اسدی	۱۰	۶	۲	۱	—
معلی اسدی	۵	۲	۱	—	—

این طایفه در مسیر خود، ضمن عرضه کالاهای سنتی، بخصوص قریب و سبب به معاملات دیگری چون خرید و فروش اسب والاغ و با فالگیری نیز می‌پردازد.*

۲- طایفه نجفی

این طایفه کولی که از هفت خانوار تشکیل شده در سالهای اخیر در اطراف خمین ساکن گشته‌اند و در فصول مختلف برای عرضه کالا و یا معامله الاغ و یا هر چیز دیگر به نقاط سردسیر و گرمسیر مهاجرت می‌کنند. اراک - رباط - قدمگاه - شاه‌زند - آستانه - زیرآباد - کتیران - علیا - چاقاسیا - گل‌زرد - هرون - جلال‌آباد - کوره - حصار - سریل روآب و بالعکس مسیر سردسیری و شوشتر - دزفول - اهواز مسیر گرمسیری آنها را تشکیل می‌دهد. گویش اینان بختیاری و لری و فارسی است.

* الاغ در زندگی اقتصادی روستائیان نقش بسیار بااهمیتی را ایفا می‌کند عمده‌ترین واسطه خرید و فروش آن کولیهای ایران می‌باشند که با ورود موتورسیکلت، وانت، تراکتور، الاغ اهمیت قبلی خویش را از دست داده است.

نام و فامیل	تعداد	پسر	دختر	باسواد	بی‌سواد	ملاحظات
نبی نجفی	۹	۲	۴	—	—	مادر بزرگ
محمد علی نجفی	۸	۳	۴	—	—	—
غلامرضا نجفی	۵	۳	—	—	—	—
جعفر نجفی	۲	—	۱	—	—	—
شاه حسین جمع‌های	۲	—	۱	—	—	—
محمد رضا نجفی	۳	۱	—	—	—	—
حمید رضا نجفی	۲	۱	—	—	—	—

ب: گروه‌های کولی که از اوایل بهار تا اواخر پاییز در نقاط سردسیر در اطراف شهرها چادر زده‌اند نه تنها تولید سنتی خود را کنار گذاشته‌اند بلکه فقط از طریق گدایی، دزدی، فالگیری، قاچاق و اعمال نامشروع روزگار را سپری می‌کنند و با تغییر فصل، دوباره به منطقه گرمسیر مهاجرت می‌کنند.

۱- طایفه دارگوشی تعداد ۷ خانوار کولی هر سال اوائل بهار از طرف شهرستان بم و گل بافت کرمان (کوی شاهسواران) به شهر اراک آمده و در پشت خرابه‌های شرکت نفت چادر زده و تا اواخر پاییز در آنجا به سر می‌برند. مردان در چادر می‌مانند و زن‌ها و بچه‌ها به گدایی می‌پردازند. و بعنوان يك مشکل اجتماعی درخور اهمیت می‌باشند.

خانوارهای دیگر در اطراف قم، کنار راه آهن، سرپل، و در ملایر اطراف فلکه امام به سر می‌برند.

وجه تمایز کولیهای ایران با کولیهای اروپا این است که، کولیهای اروپا بیشتر از طریق ساز زدن و رقصیدن و بعضاً تشکیل سیرک بازی ارتزاق می‌کنند، و در واقع بخشی از زندگی آنان به حساب می‌آید. در حالی که کولیهای ایران با این شیوه زندگی بیگانه‌اند. و معمولاً گروه توشمالها که خود بخشی از تیره‌های ایلات می‌باشند در هنگام

نظام	فامیل	نفر	پسر	دختر	ملاحظات
محمد	سلطانیان	۸	۲	۴	بی سواد
حسین	دارگوشی	۴	۱	۱	بی سواد
غلامرضا	دارگوشی	۴	۲	—	بی سواد
نعمت الله	آمینى	۷	۴	۱	یک بچه کلاس دوم
قدملی	بدرآبادی	۸	۳	۳	—
علی	بدرآبادی	۸	۲	۴	—

جشن و سرور این امر را انجام می دهند، و درپاره ای موارد شغل اصلی آنان همین است.

۲- تعداد ۱۹ خانوار کولی دیگر هر سال از اوایل بهار تا اواخر پاییز به اراک می آیند و درخوابه های نزدیک فلکه امام چادرهای خود را برپا می کنند و از اواخر پاییز تا آخر زمستان به اطراف شهرهای دهلران، پل دختر شوشتر و دزفول کوچ می کنند. زبان آنان لری آمیخته، گویش فارسی است.

این طایفه نیز هیچ گونه کالای سنتی جهت عرضه به بازار شهرها و روستاها تولید نمی کنند و صرفاً از طریق قاچاق، و معاملات نامشروع دیگر روزگار می گذرانند.

روابط اجتماعی و فرهنگی کولیها

کولیهای استان مرکزی همچون سایر کولیها دارای ویژگیهای مشترکی هستند که مختصراً بقرار زیر می باشد:

نقش هریک از اعضای یک خانواده کولی دقیقاً با شرایط سنی و قدرت جسمانی آنان رابطه دارد. کولیها از نوزادان و فرزندان خود همه گونه استفاده می کنند، نوزادان یا بچه کوچک عاملی مهم در تحریک

نام و نام خانوادگی	تعداد افراد خانوار	پسر	دختر	ملاحظات
عزیز سیمین دوست	۶	۲	۲	۹۹٪ از بچه‌های ۱۹ خانوار بی‌سوادند .
منصور علیزاده	۴	۲	—	
حاجی‌خان سیمین دوست	۴	۱	۱	
فائزه سیمین دوست	۴	۲	—	
محمد رضا منش	۷	۳	۲	
لطیف علیزاده	۵	۲	۱	
الوان علیزاده	۵	۲	۱	
قادر فیوجی	۵	۱	۲	
منصور رضا منش	۳	—	۱	
جمال علیزاده	۲	—	—	
بهرام فیوجی	۱۰	۵	۳	
آق‌الر کویتی	۷	۳	۲	
ناصر براغی	۳	—	۱	
میرعظیم براغی	۲	—	—	
عسکر فیوجی	۵	۱	۲	
اکبر رضا منش	۷	۲	۳	
نادر فیوجی	۸	۲	۴	
احمد فیوجی	۳	۱	—	
جلال براغی	۳	—	۱	

احساسات و عواطف مردم برای جلب کمک آنان می‌باشند. زنان کولی در شرایط مختلف بهرکاری دست می‌زنند و برای بدست آوردن پول و یا لقمه نانی بهیچ اصل اخلاقی پایبند نیستند و ارزشهای اجتماعی برایشان مطرح نیست. این فرهنگ انگلی و ضداجتماعی چنان در روح و رفتار این محرومان رسوخ کرده که از این شیوه لذت می‌برند و آن را امتیازی

برای خود می‌شمارند و گویی هرچه عمل آنها ضد اجتماعی‌تر باشد احساس غرور بیشتری می‌کنند. بهمین دلیل است که در طول تاریخ کولیها هرگز مورد پذیرش عشایر قرار نگرفته‌اند و همیشه ناچار بوده‌اند که در طول مسیر بی‌ساق و قشلاق ایلات نه با آنها بلکه با حفظ فاصله روزگار بگذرانند و بهمین دلایل عشایر به آنان غربتی که مفهومی تحقیرآمیز دارد خطاب می‌کنند. اینان در شهرها و روستاها نیز مورد پذیرش جامعه قرار نمی‌گیرند و مردم با سوء ظن به آنان می‌نگرند. مردان کولی در چادرها نشسته و یا بکار قاچاق و معاملات نامشروع مشغولند.

وابستگی خانوادگی بمفهومی که در شهر و روستا ویا در بین عشایر مطرح است در آنها مشاهده نمی‌شود. عواطف و احساسات خونی در هیچیک از اشکال خانوادگی و روابط انسانی دیگر در آنها دیده نمی‌شود و از دست دادن هر یک از اعضای خانواده ویا فامیل بمنزله اتفاقی عادی تلقی و بزودی فراموش می‌شود. محل دفن از دست‌رفتگان در راه ویا هر جای دیگر که باشد انجام می‌گیرد و غریب آن که علامتی هم بر روی خاک مرده باقی نمی‌نهند و این نشانه آن است که مردن آنان پیشاپیش فراموش شده‌اند.

نگرش آنان از جهان فانی و باقی با آنچه در ذهن دیگران است کاملاً متفاوت است و مرگ را امری عادی و پیش‌پا افتاده تلقی می‌کنند و شاید دلیل آن عدم وابستگی آنان به هر گونه ارزش اجتماعی و تعلقات معنوی است.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا در برخورد با حیات کولیها چه شیوه‌ای باید مورد نظر قرار گیرد؟ آیا این شیوه زندگی باید به حیات خود ادامه داده ویا ساختار آن بطور کلی تغییر یافته ویا نابود شود؟ بنظر می‌رسد آن بخش از کولیها که در جوار عشایر با تولیدات دستی خود بخشی از نیازهای جامعه عشایری و بعضاً شهری را بر آورده می‌کنند،

می‌توانند درون نظام عشایری به حیات سنتی خود ادامه دهند، اما آن بخش از کولی‌ها که با بریدن از عشایر و جذب نشدن در نظام شهری و روستایی دچار ازهم گسیختگی اجتماعی و اقتصادی گشته و کاری جز انجام اعمال ضد اجتماعی ندارند، لازم است هرچه زودتر به‌عنوان يك معضل اجتماعی مورد توجه قرار گیرند.

بدیهی است که با رشد جامعه در بخش‌های کشاورزی و صنعت و ایجاد حرف‌گوناگون آنان نیز بتدریج جذب بازار کار خواهند شد. اما روند جذب آنان در بازار کار نیز باید با پیگیری و برنامه‌ریزی مشخص همراه باشد، زیرا احتمال مقاومت آنان در برابر تغییرات جدید ممکن است سبب ایجاد مشکلات تازه‌ای شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی